

حضرت غریب سلام بر او از فرستاده فاصله پندری

ای بادگان دران ای استوره بیخ دیده زمان ای دهم

کوشیده آلام ای اوتار آفرینی ملت ای یکسکه جهان

مهم و ادب در بر ابرت سیر لفظم فرود بیار در نام تو سحر کو

قدیب عاشقان را بگشاید زخم و سینه روح نهدت مملکت

ای یادگار زمانه بر ادب همواره در اندیشه تو است اسم در در

در دقایق و لحظات باقی مانده حکم تو ای بنیاد دینی آر و در ای

جهان در گریه در ای امین بی باک خاله هستی خیرم همه حاصل

سازنده از روزی دیدار تو در تر جوف ای نام مداران لازم خودم

و ما طریقی ضمیمه کردم تا می توان ما دعوتنامه ای آر و در ای

دیدار محقق گردد

سپیده دیدار در ای

